

## ۱- پیشگفتار

بیشتر و گسترده‌تری برخوردار خواهند شد و حاکمیت قانون نیز در این منطقه تضمین خواهد شد. بر این پایه، می‌توان این پیشنهاد را زمینه‌ساز یک بازی در خاورمیانه دانست که نتایجی درخور توجه چه برای آمریکا و چه برای کشورهای خاورمیانه خواهد داشت.

هر چند از کم و کیف طرح پیشنهادی جرج بوش جز چند گزاره بالا که از رسانه‌های همگانی پخش شده است اطلاعات بیشتری در دست نیست، ولی سعی خواهد شد برخی از اهدافی که آمریکا در این زمینه به گمان نویسنده - دنبال می‌کند، تبیین و تحلیل شود.

## ۲- سیاست یک بام و دو هوا

چنان‌که از گزاره‌های شکل دهنده نطق جرج بوش پیداست، طرح منطقه آزاد تجاری خاورمیانه با آمریکا چند پیامد مثبت برای ساکنان منطقه خواهد داشت:

- (۱) تسهیل روند اصلاحات سیاسی-اقتصادی.
- (۲) کمک به پیشرفت اقتصادی و افزایش رفاه ساکنان منطقه، بویژه اعراب.
- (۳) تدارک زمینه تحصیل بیشتر و بهتر برای زنان.
- (۴) حاکمیت قانون.

در استراتژی مبارزه با تروریسم و شرارت و گفت‌وگو حاکم بر آن، ادعای می‌شود که خاورمیانه محل پرورش تروریست‌هاست و رژیم‌های سیاسی آن نیز عرضه‌کننده بدبها و شرارت هستند. به ادعای آمریکایی‌ها - بویژه محافظه‌کاران جدید به رهبری «ریچارد پریل» مشاور ارشد رامسفلد - کشورهای خاورمیانه با صلح و دموکراسی بیگانه‌اند و چون صلح و دموکراسی (آمریکایی) دو عامل اساسی حفظ امنیت ملی آمریکا است، لذا باید در قالب سبدهای مشخصی به کشورهای منطقه صادر شود، و حتی چنانچه تمایلی به پذیرش آنها نداشته باشند باید با زور نظامی و تهدید مستقیم عرضه شود.

از دید بوش، این فقر نیست که گروهی از خاورمیانه‌ای‌ها از طبقه متوسط و عملاً تحصیل کرده را واداشته است تا با هوایما به اهدافی در آمریکا حمله کنند، بلکه آزرده‌گی و نفرت

گزارش جرج دبلیو بوش در مورد استراتژی امنیت ملی آمریکا که در ۱۷ سپتامبر ۲۰۰۲ منتشر شد، درونمایه‌ای جنگ افروزانانه داشت که کاربرد قدرت نظامی برای تأمین امنیت ملی آمریکا را توجیه می‌کرد. این استراتژی که زیر عنوان «مبارزه با تروریسم و شرارت» سیاست عملی آمریکا را در تقریباً یک سال گذشته شکل داد و در حمله به کشورهای افغانستان و عراق نمود عینی یافت، منطقه خاورمیانه را هدف گرفته بود.

در این رویکرد، خاورمیانه محل پرورش تروریست‌ها و آکنده از بدبها و شرارت قلمداد و حاکمان آن نیز بیشتر خودکامه و نظام‌های سیاسی اش غیر دموکراتیک معرفی می‌شوند و قاعدتاً همه این مؤلفه‌ها برای امنیت ملی آمریکا و اصول آن از جمله دموکراسی آمریکایی - که از دید آمریکایی‌ها خیر مطلق شمرده می‌شود - تهدید به حساب می‌آیند. لذا لازم است که با کاربست‌های سیاسی و نظامی با این بدی‌ها مبارزه شود. در چارچوب این استراتژی، جرج بوش دو وظیفه مهم یعنی گسترش صلح و نیز گسترش دموکراسی آمریکایی در جهان بویژه منطقه خاورمیانه برای دولت خود تعریف و این وظیفه را رسالتی تلقی کرده که خداوند به عهده ملت آمریکا گذاشته است: او گفت خداوند آمریکار را وسیله آزادی و دموکراسی در دیگر کشورها قرار داده است!

چندی پیش، در ۹ مه ۲۰۰۳، جرج بوش در نطقی در یکی از دانشگاه‌های آمریکا با لحنی کاملاً متفاوت با لحن گزارش ۱۷ سپتامبر سال گذشته، پیشنهاد کرد که در ده سال آینده منطقه آزادی برای تجارت با آمریکا در خاورمیانه - یعنی جایی که جرج بوش و محافظه‌کاران جدید آن را محل پرورش تروریست‌ها و شرورها می‌دانند - تشکیل شود تا کشورهایی که به دنبال اصلاحات سیاسی-اقتصادی هستند، از آن بهره‌مند شوند.

جرج بوش در این سخنرانی اظهار داشت اعراب سهم بزرگی در فرهنگ جهانی دارند، اما از پیشرفت اقتصادی بهره‌چندانی نبرده‌اند. به گفته وی با تشکیل منطقه آزاد تجاری خاورمیانه، باشندگان این منطقه، بویژه زنان، از تحصیلات

## بررسی طرح پیشنهادی منطقه آزاد تجاری خاورمیانه جرج بوش از دید اقتصادی

محمد خضری

عضو هیأت علمی پژوهشکده

مطالعات راهبردی

سیاسی (مادی) و اقتصادی- فرهنگی (معنوی) یک مقوله است و اهداف یکسانی را دنبال می‌کند؛ با این تفاوت که با رویکرد اخیر، در هزینه‌های سیاسی و نظامی دستیابی به اهداف، صرفه‌جویی خواهد شد.

### ۳- چرا خاورمیانه؟

جرج بوش در حمله نظامی به افغانستان و عراق حضور نیروهای تروریست القاعده و رفتارهای خطرناک صدام در استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی را بهانه قرار داد، که قاعدتاً هر دوی این مقولات امنیت و صلح جهان را به مخاطره می‌انداخت. در مورد عراق، بررسی‌های سیانوشان داد که ظاهر آرتباطی میان صدام و القاعده وجود نداشته است. در بررسی‌های بازرسان ویژه سازمان ملل متحد به سرپرستی هانس بلیکس هم شواهد کافی دال بر از سرگیری برنامه‌های تولید سلاح‌های کشتار جمعی ارایه نشده است. همچنین هم‌پیمانان استراتژیک و تاریخی اروپایی آمریکا نیز در جنگ با عراق شرکت نکردند. حال پرسش این است که آیا واقعاً به مخاطره افتادن صلح و امنیت جهانی دغدغه کشورهای دموکراتیک اروپایی نیست؟ آیا حمایت صدام از القاعده و برنامه‌های عراق در زمینه تولید و به کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی اروپا را نگران نکرده بود؟ امروز نیز بر سشهایی از این دست در رابطه با پیشنهاد اخیر جرج بوش مطرح می‌شود: چرا آمریکا نگران صلح، رفاه و دموکراسی در منطقه خاورمیانه است، و در واقع برای باشندگان این منطقه دل می‌سوزاند؟ آیا واقعاً مایه و نشانه‌ای از آنچه گفته شد در این کشورها وجود ندارد؟ و آیا بر خورداری ساکنان منطقه از این مزایا و مواهب در راستای منافع کوتاه مدت و بلندمدت آمریکا است؟ آیا تحقق چنین اهداف متعالی دغدغه کشورهای دموکراتیک تر اروپایی نیست؟ آیا اگر خود دولتها در این کشورها یا کشورهای اروپایی بخواهند سبیدی از صلح، امنیت، رفاه و... عرضه دارند، که پیامدهای آن به سود همگان خواهد بود، با استقبال آمریکا روبه‌رو خواهد شد؟ آیا اگر این کشورها دست به اصلاحات سیاسی-اقتصادی متناسب با شرایط اجتماعی و سیاسی‌شان بزنند، آمریکا از آن پشتیبانی خواهد کرد؟

برخاسته از نبود نهادهای انتخابی در جوامع آنهاست که سبب می‌شود فکر کنند تنها راه برون‌شدن از ورطه مشکلات سیاسی، جزم‌اندیشی دینی است.<sup>۱</sup> اما گفتمان حاکم بر طرح منطقه آزاد تجاری خاورمیانه که جرج بوش پیشنهاد می‌کند نرم و مسالمت‌آمیز است، چرا که در غیر این صورت کارگر نخواهد شد. اصولاً بازرگانی مستلزم همکاری مشترک و توافق است و منافع اقتصادی، طرف‌های درگیر را ناگزیر از اتخاذ رویکرد نرم در تعاملاتشان می‌کند. لازمه کارگر شدن منطقه آزاد تجاری پیشنهادی جرج بوش، خواست و اراده دولت‌ها و ملت‌های منطقه است و نمی‌توان این کارویژه را از ملت‌ها و دولت‌هایی انتظار داشت که شرور و دیکتاتور خطاب می‌شوند. بی‌گمان دستاوردهایی که عملی شدن این سناریو برای آمریکا خواهد داشت به اندازه کافی ارزشمند است که جرج بوش را ناگزیر از تغییر گفتمان کند.

به نظر می‌رسد پیشنهاد اخیر جرج بوش ترجمان اقتصادی یا رویکرد نرم به استراتژی قبلی او یعنی «مبارزه با تروریسم و شرارت» باشد، و سرمنشأ هر دو یکی است و اهداف یکسانی را دنبال می‌کند. استراتژی مبارزه با تروریسم و شرارت بیشتر برای حمله به افغانستان و عراق کارایی داشته است اما تداوم آن با عنوان تنش‌زا و ناخوشایند فوق در بلندمدت هزینه‌های زیادی برای آمریکا به بار خواهد آورد. به بیانی دیگر، هزینه‌های تکیه صرف بر کاربست‌های نظامی و پادگانی برای آمریکا، بویژه در خاورمیانه، سنگین خواهد بود.

در بلندمدت، نفوذ آمریکا در خاورمیانه و بویژه در کشورهای تولیدکننده نفت، باید مبتنی بر چیزی باشد که جوزف‌نای آن را قدرت معنوی (soft power) می‌نامد. این قدرت مبتنی بر این رویکرد است که باید دیگران را به نقطه‌ای هدایت کرد که همان چیزی را بخواهند که شما می‌خواهید. به نظر می‌رسد جرج بوش در طرح جدیدش توجه بیشتری به آموزه جوزف‌نای کرده است.

در هر حال برداشت این است که «مبارزه با تروریسم و شرارت» و «طرح منطقه آزاد تجاری خاورمیانه» در روی یک سکه، و در واقع ترجمان

○ در بلندمدت، نفوذ آمریکا در خاورمیانه و بویژه در کشورهای تولیدکننده نفت، باید مبتنی بر چیزی باشد که جوزف‌نای آن را قدرت معنوی (soft power) می‌نامد. این قدرت مبتنی بر این رویکرد است که باید دیگران را به نقطه‌ای هدایت کرد که همان چیزی را بخواهند که شما می‌خواهید.

همچون دیگر قدرتهای بزرگ، نشان می‌دهد که سیاستمداران غربی بی حساب و بی چشمداشت دست به کاری نمی‌زنند. اهداف آمریکا از طرح منطقه آزاد تجاری خاورمیانه را می‌توان شامل موارد زیر دانست:

\* حفظ هژمونی دلار در جهان و بویژه در خاورمیانه.

\* کنترل تولید، عرضه و بهای نفت.

\* جنگ انداختن بر بازار اقتصادی خاورمیانه.

\* جلوگیری از هژمونی در حال رشد اتحادیه اروپا و یورو.

\* تکمیل کردن اسرائیل به ساختار منطقه خاورمیانه، در ابعاد سیاسی و اقتصادی.

\* تضعیف قدرت‌های منطقه‌ای، جز اسرائیل.

\* تضعیف هر چه بیشتر اندیشه (سست) وحدت عربی.

\* ایجاد ثبات در منطقه.

در اینجا سعی خواهد شد دلایلی که مؤید اهداف مذکور است و همپوشانی‌هایی نیز میان آنها وجود دارد، بر شمرده شود.

## ۵- حفظ هژمونی دلار در جهان و

### خاورمیانه

واقعیت این است که بخشی از رونق و شکوفایی اقتصادی آمریکا نتیجه مقبولیتی است که دلار در دیگر کشورها دارد. بانک مرکزی آمریکا با انتشار بی‌هزینه و دستوری دلارهایی که به کشورهای برخوردار از منابع واقعی چون کشورهای خاورمیانه سرازیر می‌کند، هم تورم و رکود اقتصاد آمریکا را به آنها انتقال می‌دهد و هم منابع واقعی آنها (نفت، مواد اولیه و...) را با کمترین هزینه در اختیار می‌گیرد. کشورهای خاورمیانه، بویژه تولید کنندگان نفت، هم برای مبادلات بین‌المللی خود به دلار نیاز دارند و هم نفتشان بر حسب دلار آمریکا ارزش گذاری می‌شود. اقتصادها و دولت‌های (بیشتر) رانتیر خاورمیانه سخت به درآمدزایی حاصل از فروش نفت وابسته‌اند. آنها نفتشان را می‌فروشند و در برابر دلارهایی می‌گیرند که به صورت دستوری در آمریکا چاپ می‌شود و با این دلارها چند کار انجام

تجربه نشان داده است که آمریکا حاضر نیست سواری مجانی بدهد؛ صلح، رفاه و دموکراسی با وجود مقبولیت و پیامدهای مثبت فراگیرش، باید مطابق خواست و در راستای منافع آمریکا به کشورهای دیگر عرضه شود. اما در همان حال جرج بوش تقاطی را نشانه رفته است که کشورهای خاورمیانه نارسایی‌های زیادی در آنها دارند. چنان که جدول شماره (۱) نشان می‌دهد، تولید ناخالص داخلی در بیشتر کشورهای خاورمیانه اندک است؛ امید به زندگی و نرخ باسوادی نیز در سطوح پایین تری نسبت به کشورهای توسعه یافته قرار دارد و بیشتر آنها بلرنگینی از بدهی‌های خارجی به دوش می‌کشند. نظام سیاسی در بیشتر کشورهای خاورمیانه غیر دموکراتیک و رانتیر و بر کارویژه‌های عشیره‌ای و ایدئولوژیک استوار است: بررسی‌ها نشان می‌دهد که در سال ۱۹۹۱، چیزی در حدود ۵۷ درصد زنان خاورمیانه بی‌سواد بوده‌اند. یعنی از ۸۰ میلیون نفر بی‌سواد منطقه ۲۸ میلیون نفر رازان تشکیل می‌داده‌اند. همچنین در حدود ۹۶ میلیون نفر از ساکنان منطقه در فقر مطلق به سر می‌برده‌اند و توزیع در آمد، ثروت و فرصت‌ها در منطقه سخت نابرابر بوده است.<sup>۲</sup>

بنابراین، فراهم شدن زمینه برای کاهش نارسایی‌ها و کمبودها و دستیابی به چیزهایی چون رفاه، آسایش، دموکراسی - صرف نظر از عرضه کننده آنها - قاعدتاً باید با اقبال ساکنان منطقه رویه‌رو شود، اما به نظر می‌رسد که آمریکا کمتر نگران نارسایی‌های مذکور در منطقه است و آنها را وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف بلندمدت خود قرار خواهد داد؛ هر چند ممکن است پیامدهای مثبت این کار تا اندازه‌ای به کاهش نارسایی‌های پیش گفته در منطقه بینجامد.

## ۶- اهداف آمریکا از طرح منطقه آزاد

### تجاری خاورمیانه

بی‌گمان ایجاد رفاه، دموکراسی، صلح و امنیت در منطقه خاورمیانه، پر هزینه و قاعدتاً مستلزم صرف شدن منابع ارزشمند اقتصادی و دریغ داشتن سبدهایی از رفاه از مردم آمریکا است، و این رویکرد بر پایه عقلانیت (بیشتر) ابزاری آمریکایی‌ها توجیه‌پذیر نیست و عملکرد دولت آمریکا،

○ «مبارزه با تروریسم و شرارت» و «طرح منطقه آزاد تجاری خاورمیانه» دوروی يك سگه، و در واقع ترجمان سیاسی (مادی) و اقتصادی - فرهنگی (معنوی) يك مقوله است و اهداف یکسانی را دنبال می‌کند؛ با این تفاوت که بارویکردها خیر، در هزینه‌های سیاسی و نظامی دستیابی به اهداف، صرفه جویی خواهد شد.

می‌دهند: نخست، بخشی از آن را مستقیماً در آمریکا سرمایه‌گذاری می‌کنند. آمارها نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آمریکا سالانه در حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیارد دلار است؛ دوم، بخشی از دلارها را صرف خرید کالاهای مصرفی و واسطه‌ای و (در حجم کلان) تجهیزات نظامی می‌کنند و دوباره به آمریکا برمی‌گردانند؛ سوم، بخشی از دلارها را نیز در بانک‌های مرکزی‌شان نگه می‌دارند تا:

(۱) ارزش پول‌های داخل‌شان را حفظ کنند.  
 (۲) بدهی‌هایشان را با آن پوشش دهند.  
 (۳) جلوگیری از تغییر ارزش پول‌شان را بگیرند.

و این فرایند به مقبولیت و تقاضای بیشتر برای دلار می‌انجامد. بی‌گمان اگر تقاضای کشورهای خاورمیانه و نیز دیگر کشورها برای دلار آمریکا کاهش یابد، بسیاری از نرسایی‌های اقتصادی ناشی از انتشار دستوری دلارهایی که به سراسر جهان

جدول (۱) برخی از شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی منطقه خاورمیانه

کشور	جمعیت به میلیون	نرخ باسوانی	امید به زندگی	GDP به دلار	بدهی خارجی به دلار	نرخ رشد واقعی GDP سرانه	رشد سیالانه جمعیت
	(۱۹۹۵)			۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۸۵/۹۴	۱۹۹۰-۹۴
الجزایر	۲۸/۵۴	۵۷	۶۸/۱	۴۲/۲	۲۶	-۲/۴	۲/۳
بحرین	۰/۵۷	۸۴	۷۳/۹	۴/۷	۲/۶	-۰/۹	۲/۸
جیبوتی	۰/۴۲	۴۸	۴۹/۷	۰/۵	۰/۲۲۷	-	۱/۴۸
مصر	۶۲/۳	۴۸	۶۱/۱	۴۵/۵	۳۱/۲	۱/۶	۲/۰
اریتره	۳/۶	-	۵۰/۴	۰/۵۴	۱۵۰	-	۲/۸
ایران	۶۵/۶	۶۶	۶۶/۹	۷۰/۶	۳۰	-۱/۰	۲/۷
عراق	۲۰/۶	۸۹	۶۶/۵	-	۸۵	-	۳/۷۲
اسرائیل	۵/۴	۹۵	۷۸/۱۴	۷۴/۶	۲۵/۹	۲/۵	۳/۸
اردن	۴/۱	۸۳	۷۲/۲	۵/۶	۶	-۶/۳	۶/۳
کویت	۱/۸	۷۴	۷۵/۶۴	۲۵/۱	۷/۲	-۱/۳	-۶/۵
لبنان	۳/۰	۸۰	۶۹/۷	۸/۵	۰/۷۶۵	-	۲/۰
لیبی	۵/۲	۶۰	۶۴/۲۷	۳۷/۹	۳/۵	-	۳/۷
موریتانی	۲/۲	۳۵	۴۸/۵	۱/۴	۱/۹	۰/۲	۳/۱۷
مراکش	۲۹/۱	۵۰	۶۸/۹	۳۱/۵	۱۱۸۲	۱/۱	۲/۱
عمان	۲/۱	۳۵	۷۰/۲	۱۰/۸	۵۱۵۲	۰/۶	۴/۲
قطر	۰/۵۳۳	۷۶	۷۰	۷/۹	۱۶۴۵۵	۱/۵	۲/۷۴
عربستان	۱۸/۷	۶۲	۶۸/۵	۱۲۳/۷	۶۸۱۹	-۱/۲	۲/۲
سومالی	۷/۳	۲۴	۵۵/۷۴	۱/۴	۱۶۴	-۱/۲	۱۵/۵۸
سودان	۳۰/۱	۳۲	۵۴/۷	۶/۶	۲۴۲	۰/۲	۲/۳۵
سوریه	۱۵/۴	۶۴	۶۶/۸۱	۴۲/۰	۳۰۱۶	-۲/۴	۳/۴
تونس	۸/۸	۵۷	۷۳/۲	۱۵/۹	۱۸۴۴	۱/۸	۲/۲
ترکیه	۶۳/۴	۷۹	۷۱/۴	۱۴۹	۲۴۵۰	۰/۲	۱/۹۷
امارات متحده عربی	۱/۹۵	۷۱	۷۲/۵	۳۷/۰	۱۶۹۲۳	-	۲/۶
یمن	۱۴/۲	۳۸	۶۲/۵	۱۸/۷	۱۲۷۲	-	۵/۱

مأخذ: Sela, Avraham (2002). *The Continuum Political Encyclopedia of the Middle East.*

سرمایه و دارایی آمریکا بترکند و «فدرال رزرو» نتواند با چاپ پول بیشتر آنها را ترمیم کند و تحرک قبلی را به آن‌ها ببخشد؛ کاری که اکنون انجام می‌دهد؛ چرا که خارجیان اشتیاق به جمع‌آوری دلار را از دست خواهند داد و این، به تورمی جدی در اقتصاد آمریکا می‌انجامد و تورم به نوبه خود خارجیان را نسبت به دلار آمریکا بیشتر نامطمئن خواهد کرد و بحران گسترش می‌یابد. آنان نفت را یک مانع جدی بر سر راه شکل‌گیری این سناریو می‌دانند. نفت نه تنها مهمترین کالایی است که به صورت بین‌المللی معامله می‌شود، بلکه خون حیات بخش اقتصادهای صنعتی مدرن نیز هست. اگر نفت نداشته باشید، ناگزیرید آن را بخرید و اگر آن را از بازارهای بین‌المللی بخرید، باید دلار داشته باشید چرا که در حال حاضر همه کشورهای صادرکننده، بویژه در خاورمیانه، نفت‌شان را براساس دلار ارزشگذاری می‌کنند.<sup>۵</sup> و چون احتمال می‌رود در آینده‌ای نه چندان دور این قاعده عوض شود، زمزمه‌هایی دال بر این تغییر در خاورمیانه، و بویژه از سوی کشورهای صادرکننده نفت، آمریکا را ناگزیر از اقدامات عاجلی کرده است.

## ۶- کاهش هژمونی دلار در برابر یورو

اقدامات و سیاست‌های جنگ‌افروزانه و تحقیرکننده دولت جرج بوش در نقاط مختلف جهان باعث شده است که کشورها، بویژه در خاورمیانه، اعتمادشان را به سیاست‌های اقتصادی آمریکا و به تبع آن دلار آمریکا از دست بدهند. امروزه، بسیاری از کشورها در صدد متنوع کردن ذخایر ارزی خود و حتی در مواردی نشان دادن یورو (واحد پول مشترک اتحادیه اروپا) به جای دلار هستند. این کار از هژمونی دلار می‌کاهد، بازارهای اقتصادی زیادی را از آمریکا می‌گیرد و از هژمونی سیاسی آمریکا نیز خواهد کاست.

در ایران، یکی از اعضای کمیسیون توسعه مجلس چند ماه پیش اظهار داشت که نصف ذخایر صندوق ذخیره ارزی کشور از دلار به یورو تبدیل شده است. همچنین زمزمه‌هایی به گوش می‌رسد مبنی بر این که اعضای اوپک در صدد متنوع کردن سبد ارزی اوپک (به صورت ترکیبی از دلار و

سرازیر شده است، همچون بختکی بر اقتصاد آمریکا فرود می‌آید و این همان پاشنه آشیل اقتصاد آمریکا است که برای «فدرال رزرو» چون یک کابوس است. نیمی از دلارهایی که در آمریکا چاپ می‌شود، خارج از مرزهای آمریکا جریان می‌یابد و نیز بیش از نیمی از اوراق قرضه خزانه‌داری آمریکا در بانک‌های مرکزی دیگر کشورها نگهداری می‌شود و به تعبیری می‌توان گفت که اقتصاد جهانی بر پایه دلار می‌چرخد و اقتصاد آمریکا نیز تا اندازه زیادی به نقش دلار بعنوان پول پایه و ذخیره بانک‌های مرکزی دیگر کشورها وابسته است.

اقتصاد آمریکا با عدم تعادل‌های زیادی روبه‌رو است. از جمله آنها، کسری بودجه ۵۰۰ میلیارد دلاری و نیز کسری تجاری معادل ۵ درصد GDP است. با وجود این، نگرانی خاصی در این زمینه وجود ندارد. حتی برخی از اقتصاددانان چون پل دیویسون و رونالد مک‌کینون این کسری‌ها و عدم تعادل‌ها را سرچشمه حیاتی نقدینگی تجارت جهانی می‌دانند که برای جوشان نگهداشتن دیگ تجارت جهانی لازم است.<sup>۴</sup> در واقع آثار منفی چاپ دستوری دلار برای تأمین کسری‌ها - از جمله آثار تورمی آن‌ها - به علت تقاضایی که در دیگر کشورها برای دلار وجود دارد، به خارج از مرزهای آمریکا منتقل خواهد شد. اگر از مقبولیت دلار در نزد خارجیان کاسته شود، ارزش دلار نیز کاهش خواهد یافت و سرمایه‌گذاران برای جلوگیری از کاهش ارزش دارایی‌هایشان سرمایه‌های خود را از آمریکا خارج می‌کنند و آنها را برحسب ارزهای مطمئن‌تری چون یورو ارزشگذاری خواهند کرد. این کار، با توجه به حیاتی بودن نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آمریکا، از رونق اقتصادی و در پی آن از رفاه آمریکاییان خواهد کاست. هر چند کاهش ارزش دلار باعث کاهش واردات به آمریکا و رونق صادرات خواهد شد، اما با توجه به الگوی مصرف آمریکایی‌ها و تنوع‌پذیری اولویت‌هایشان، این کار دامنه انتخاب و سطح زندگی‌شان را پایین خواهد آورد.

برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که کاهش تقاضای کشورهای دیگر برای دلارهای دستوری آمریکا باعث خواهد شد که حساب‌های بازار

○ تولید ملی آمریکا چیزی در حدود ۱۱ تریلیون دلار ارزش دارد. آمریکا ۳۰ درصد تولیدات جهان و تنها ۶ درصد جمعیت جهان را دارد و چنانچه تقاضایی از جانب کشورهای دیگر برای تولیدات آمریکا و عرضه اضافی آن وجود نداشته باشد بار کورد و چه بسا بحران روبه‌رو خواهد شد.

یورو) و چه بسا معرفی يك واحد پولی مشترك هستند. رئیس بخش بررسی و تحلیل بازار نفت لویک در کنفرانسی در اسپانیا در ۱۴ آوریل ۲۰۰۲ اظهار داشت که لویک درصدد است از این پس قیمت گذاری نفت را برحسب یورو نیز انجام دهد. وی خاطر نشان کرد شاید در آینده، نظامی دو ارزی که بیشتر به سمت یورو سنگینی کند، برای قیمت گذاری نفت ارایه شود.<sup>۶</sup>

رهبر لیبی، مدتهاست که پیشنهاد کرده است نفت برحسب یورو به جای دلار ارزشگذاری شود. کره شمالی نیز اخیراً اعلام کرده است که از این پس از یورو به جای دلار استفاده خواهد کرد. بانک مرکزی روسیه در سال گذشته ۲۰ درصد از ۴۸ میلیارد دلار ذخیره ارز خارجی اش را به یورو تبدیل کرد و چین و هند نیز از سال ۲۰۰۲ شروع به متنوع کردن ذخایر ارزی خود کرده‌اند.<sup>۷</sup> رئیس جمهور ونزوئلا دستور حذف دلار از سبد معاملات کشورش را داده و برای کاهش هژمونی دلار آمریکا بر کشورهای کمتر توسعه یافته، پیشنهاد کرده است که این کشورها کالاها و خدمات قابل عرضه شان را مستقیماً با یکدیگر تهاتر کنند. وی سیزده کشور کمتر توسعه یافته را مشخص و اعلام کرده است که حاضر است در برابر دادن نفت، متقابلاً کالا و خدمات از آنها دریافت کند. مثلاً توافق شده است که در برابر خدمت پیرایشگران کوبایی در کلینیک‌های مناطق روستایی ونزوئلا به آن کشور نفت داده شود.<sup>۸</sup>

## ۷- کنترل عرضه نفت خاورمیانه

چند سال پیش جان هرینگ وزیر انرژی وقت آمریکا در گزارشی به جرج بوش پدر، امنیت ملی آمریکا را تا اندازه زیادی در گرو امنیت انرژی - که با میزان واردات نفت آمریکا تعیین می‌شود - معرفی کرد.<sup>۱۰</sup> استدلالی که پشت این ادعا وجود داشت این بود که بیشتر نفت باقی مانده در جهان در خاورمیانه است (جدول ۲) و این که این ماده تجدیدناشدنی رو به پایان است. آمریکا بزرگترین واردکننده نفت در جهان و نفت نیز يك نهاده لویه بسیار مهم در اقتصاد آمریکاست و نوسانها در عرضه آن، هم بر هزینه‌های تولید و هم بر هزینه‌های مبادله اثر می‌گذارد. شوک‌های ناشی از کاهش یا افزایش بهای نفت برای اقتصاد آمریکا زیان آور است و عرضه نفت نیز بیشتر توسط کشورهای خاورمیانه که چندان سر سازگاری با آمریکا ندارند کنترل می‌شود و همواره این امکان وجود دارد که با دستکاری در بهای نفت، اقتصاد آمریکا را با عدم تعادل‌هایی روبه‌رو کنند.

کشورهای خاورمیانه روزانه چیزی در حدود ۲۶ میلیون بشکه نفت عرضه می‌کنند (جدول ۳) و تقریباً ۷۰ درصد (۶۵۰ میلیارد بشکه) از ذخایر

○ در آینده، اتحادیه اروپا بعنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین رقیب آمریکا در هر دو عرصه سیاست و اقتصاد در خواهد آمد، و با توجه به مقبولیتی که یورو در نزد مردمان کشورهای دیگر نسبت به دلار یافته است، بازارهای اقتصادی زیادی را از آمریکا خواهد گرفت. منطقه خاورمیانه به علت گسترده‌گی روابط سیاسی و اقتصادی اش با اتحادیه اروپا در تسهیل این روند نقشی اساسی بازی می‌کند.

## ۸- تسلط بر بازار اقتصادی خاورمیانه

ثوری‌های اقتصادی علی‌رغم پیچیده بودن تبیین‌شان، حقایق روشنی در خود دارند. یکی از این موارد، این است که با وجود گزاره‌های (بیشتر) تبلیغاتی و زورنالیستی، رشد جمعیت نه تنها مانع رشد اقتصادی نبوده و نیست بلکه بخش زیادی از رشد اقتصادی کشورها - بویژه توسعه یافته - مرهون رشد جمعیت بخصوص در دیگر کشورهای کمتر توسعه یافته بوده است و به تعبیری می‌توان گفت که کشورهای توسعه یافته به علت رشد جمعیت و در پی آن رشد تقاضا در کشورهای کمتر توسعه یافته، از آنها سواری رایگان گرفته‌اند.

به سادگی می‌توان ثابت کرد که رشد اقتصادی تابعی از تکنولوژی (یعنی تحول تکنیک)، بهره‌وری سرمایه و نیروی کار، و رشد جمعیت است (برای این کار کافی است یک تکنولوژی ساده کاپ-داگلاس - Cobb-Dauglus Production) function در نظر گرفت و سپس از آن لگاریتم و دیفرانسیل گرفت). در تحقق وضع پایدار steady state هم رشد جمعیت یک مؤلفه اساسی است؛ یعنی تکنولوژی، بهره‌وری سرمایه و نیروی کار و نیز نرخ پس‌انداز به تنهایی تأمین‌کننده رشد اقتصادی بلندمدت نیست. براین اساس، هر چند رشد جمعیت در کشورهای منطقه خاورمیانه، به علت مدیریت ضعیف نیروی انسانی و نارسایی‌های نهادی، در دسر آفرین بوده، ولی بی‌گمان برای کشورهای چون آمریکا یک «برونی مثبت» محسوب شده و بخشی از رشد اقتصادی آنها را تأمین کرده است. تولید ملی آمریکا چیزی در حدود ۱۱ تریلیون دلار ارزش دلرد. آمریکا ۳۰ درصد تولیدات جهان و تنها ۶ درصد جمعیت جهان را دارد و چنانچه تقاضایی از جانب کشورهای دیگر برای تولیدات آمریکا و عرضه اضافی آن وجود نداشته باشد بار کود و چه بسا بحران رویه‌رو خواهد شد.

دولت فرانسه اخیراً برای افزایش جمعیت به منظور تأمین رشد اقتصادی این کشور در آینده، بودجه‌ای معادل ۱/۳ میلیارد دلار اختصاص داده است و مقرر داشته که به ازای هر تولد ۸۰۰ یورو

نفت جهان در این منطقه قرار دارد. نیمی از ذخایر نفت جهان در چهار کشور عربستان، عراق، کویت و ایران متمرکز است و با چنین منابع هنگفتی، کشورهای این منطقه برای سال‌های مدید به نفت دسترسی خواهند داشت. مثلاً با سطوح تولید کنونی انتظار می‌رود که عربستان و ایران تقریباً برای ۶۵۷۰ سال، عراق و کویت ۱۴۵۱۵۰ سال، مصر ۲۵ سال، الجزایر ۳۰ سال و لیبی ۴۰ سال نفت داشته باشند.<sup>۱۱</sup> از این رو ذخیره چاه‌های نفت و تعداد سال‌هایی که می‌توان به نفت دسترسی داشت، این منطقه را به عنوان یک منطقه حیاتی، بویژه برای کشورهای چون آمریکا که نفت نقش اساسی در اقتصاد آن دارد مطرح می‌کند. نفت مهمترین عنصر در حرکت صنایع مدرن غرب است و آمریکا و جهان غرب به کمک همین ماده حیاتی توانسته‌اند به این سطح از رشد و رفاه برسند. منطقه خاورمیانه، بعنوان منبع اصلی تأمین سوخت آمریکا و نیز ابزاری کارآمد برای مقابله با رقبای آن کشور که همگی به نفت وابسته‌اند، اهمیت ویژه‌ای در رده‌بندی کشورها در ساختار قدرت جهانی خواهد داشت.<sup>۱۲</sup>

آمریکا این منطبق کهن را همواره در نظر دارد که هر قدرتی بر منابع تأمین‌کننده انرژی جهان دست یابد، بر جهان سلطه خواهد یافت. براین اساس، ایالات متحده مناطق خزر و خلیج فارس را دو منبع اصلی تأمین‌کننده انرژی در دهه‌های نخستین سده بیست و یکم می‌داند و برای دست انداختن بر این دو منبع سال‌هاست که سخت تلاش می‌کند.<sup>۱۳</sup> اما منطقه خزر در مقایسه با خلیج فارس، کمتر مورد توجه آمریکا خواهد بود. در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ تصور می‌شد که در منطقه خزر و آسیای مرکزی تقریباً ۲۰۰ میلیارد بشکه نفت موجود باشد و این ذخایر نفتی یک مؤلفه مهم در طرح انرژی دیک‌جینی بود که در مه ۲۰۰۱ منتشر شد. اما پس از حفر سه چاه نفت، گزارش شد که منطقه خزر تقریباً ۱۰ تا ۲۰ میلیارد بشکه نفت دارد، که بخش زیادی از آن به صورت گاز طبیعی است و کیفیت مرغوبی نیز ندارد. براین اساس بود که دولت بوش به سرعت توجه خود را به عراق که دارای ذخایر کلان و شناخته شده نفت (تقریباً ۱۱۳ میلیارد بشکه نفت) است، برگرداند.<sup>۱۴</sup>

○ یکی از اهداف آمریکا از ایجاد منطقه آزاد تجاری، گنجاندن متحد استراتژیک خود یعنی اسرائیل در ساختار سیاسی و اقتصادی منطقه و ایجاد سوپاپ اطمینانی بزرگتر است.

هیچ اشتراك نظری نداریم.»<sup>۱۶</sup> همچنین اخیراً یکی از مقامات بلندپایه دولت جرج بوش در تشریح سیاست ایالات متحده نسبت به اتحادیه اروپا خاطر نشان کرده که آمریکا به دنبال «عدم یکپارچگی» اتحادیه اروپاست.<sup>۱۷</sup>

واقعیت این است که در آینده، اتحادیه اروپا به عنوان مهمترین و اصلی ترین رقیب آمریکا در هر دو عرصه سیاست و اقتصاد در خواهد آمد، و با توجه به مقبولیتی که یورو در نزد مردمان کشورهای دیگر نسبت به دلار یافته است، بازارهای اقتصادی زیادی را از آمریکا خواهد گرفت. منطقه خاورمیانه به علت گستردگی روابط سیاسی و اقتصادی اش با اتحادیه اروپا در تسهیل این روند نقشی اساسی بازی می کند. تسلط بر بازارهای اقتصادی خاورمیانه تا اندازه زیادی از شکل گیری این فرایند جلوگیری می کند یا آن را به تعویق می اندازد.

### ۱۰- تعمیل اسرائیل در ساختار سیاسی و اقتصادی منطقه

یکی از اهداف آمریکا از ایجاد منطقه آزاد تجاری، گنجاندن متحد استراتژیک خود یعنی اسرائیل در ساختار سیاسی و اقتصادی منطقه و ایجاد سویاب اطمینانی بزرگتر است. اصولاً کشورهای برای این طرح واجد شرایط خواهند بود که تحریم هایشان را روی اسرائیل بردارند. این طرح به عملی شدن و تحقق سازش و تحمیل اسرائیل به اعراب منجر خواهد شد. اسرائیل سالانه ۲ میلیارد دلار برای واردات نفت از روسیه می پردازد و بودجه های کلانی صرف امنیت داخلی اش می کند. حضور آمریکا در منطقه و تسلط بر بازارهای آن، هم این اطمینان را به اسرائیل می دهد که نفت مورد نیاز و نیز امنیت خود را با هزینه کمتری تأمین کند و هم اینکه اقتصاد روسیه را با دریغ کردن مناهمی که صرف واردات نفت از آن کشور شود زیر فشار بگذارد.

سازش در خاورمیانه و تحمیل شدن اسرائیل به اعراب، برای آمریکا چند پیامد مثبت و مشخص دیگر نیز خواهد داشت: از یک سو موقعیت استراتژیک و سیاسی ایالات متحده در منطقه خلیج فارس را بهبود خواهد بخشید و دولت های

یاداش داده شود. خاورمیانه جمعیتی بین ۴۰۰ تا ۴۵۰ میلیون نفر دارد و تقاضای ناشی از این جمعیت باफल و نیز بالقوه (ناشی از رشد جمعیت؛ جدول ۱) می تواند بازار اقتصادی خوبی برای تولیدات آمریکا فراهم آورد و محرک کارآمدی برای رشد اقتصادی آمریکا در بلندمدت باشد. تقاضا برای محصولات آمریکا در حکم تقاضا برای دلارهای آمریکایی است و در حفظ هژمونی دلار و به تبع آن هژمونی سیاسی آمریکا، بویژه در منطقه خاورمیانه، مؤثر خواهد بود.

### ۹- هژمونی در حال رشد اتحادیه اروپا و یورو

بی گمان تسلط آمریکا بر بازار اقتصادی خاورمیانه، بویژه کشورهای تولیدکننده نفت، هژمونی آمریکا را نسبت به هژمونی در حال رشد اروپا افزایش می دهد. تجربه نشان داده است که هژمونی اقتصادی، هژمونی سیاسی به دنبال خواهد داشت. گسترش واحد پول مشترک اتحادیه اروپا و مقبولیت آن در کشورهای دیگر، بویژه کشورهای خاورمیانه، به گسترش نفوذ یورو و اتحادیه اروپا در اقتصادهای دیگر کمک می کند. پارگیری آمریکا از میان اعضای اتحادیه اروپا، تلاش اتحادیه اروپا در زمینه تشکیل ارتش واحد، تفاوت سیاستهای خارجی اروپا و آمریکا و تقویت یورو در برابر دلار (در حال حاضر یک یورو معادل ۱/۱ دلار است) نشان از این دارد که اتحادیه اروپا سیاست و اقتصاد آمریکا را به چالش کشیده است و این روند در حال گسترش است.

در جریان جنگ سرد، دولت های عربی به اتحادیه اروپا در برابر آمریکا و شوروی به عنوان گزینه سوم نگاه می کردند، اما امروز به اتحادیه اروپا در برابر هژمونی ایالات متحده اغلب به صورت تنها بدیل می نگرند.<sup>۱۵</sup> رابرت کیگان، نویسنده آمریکایی، اخیراً در کتابی با عنوان قدرت و سعادت به اختلافات آمریکا و اروپا در رابطه با کنش در جهان معاصر اشاره کرده و نوشته است: «وقت آن رسیده است که ما و اروپاییان دست از خودفریبی برداریم و به همگان اعلام کنیم که دیدگاه های ما و آنها در مورد جهان معاصر به کلی با یکدیگر متفاوت بوده و در این مورد با یکدیگر

○ تسلط آمریکا بر بازار خاورمیانه و کنترل عرضه و انتقال نفت از این منطقه، منافع بسیاری از قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای چون ایران، روسیه، فرانسه، چین، ژاپن و حتی اتحادیه اروپا را به چالش می کشد و آنها را هم به لحاظ سیاسی و هم از دید اقتصادی در وضع شکننده ای قرار خواهد داد.



شکونده حفظ کند. این کار قدرت چانه‌زنی و مانور اعراب را در روابط منطقه‌ای و بین‌المللی کاهش خواهد داد و مانع خواهد شد که از توانمندی‌هایشان در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بهره‌کافی بگیرند.

روشنفکران عـرب، بخش زیادی از عقب‌ماندگی اعراب را به عملکرد غربی‌ها و بویژه آمریکا نسبت می‌دهند و عملی شدن اندیشه و وحدت عربی را یکی از راهبردهای مؤثر در جبران عقب‌ماندگی‌شان می‌دانند.<sup>۲۰</sup> آنها مدعی هستند که مرزها میان کشورهای عربی تحمیلی و استعماری است و به بهای تکه‌تکه شدن ملت عرب وضع شده و آن را یک استراتژی امپریالیستی و علت اساسی فروماندگی و ضعف اعراب می‌دانند.<sup>۲۱</sup>

### ۱۳- تأمین ثبات در منطقه خاورمیانه

برخی از صاحب‌نظران از جمله برژنسکی استدلال می‌کنند تا زمانی که منافع آمریکا در گرو حفظ هژمونی و سروری ایالات متحده در جهان است، نه صلح و ثبات در خاورمیانه و نه قابل شدن نقش بزرگتری برای اتحادیه اروپا هدف آمریکا خواهد بود، زیرا صلح جامع، استدلال‌های آمریکا برای حضور نظامی در منطقه را سست خواهد کرد و فرصت خوبی در اختیار اروپا قرار می‌دهد که پایگاه هژمونیک ایالات متحده را به چالش بکشد.<sup>۲۲</sup> اما منابع و ذخایر نفتی خاورمیانه و نیاز اساسی آمریکا به آن ایجاب می‌کند که محتاطانه‌تر با مسئله برخورد شود. دیک‌جینی وزیر دفاع جرج بوش پدر اظهار داشته بود با توجه به افزایش بی‌ثباتی‌های منطقه‌ای بویژه در حوزه خلیج فارس، که اهمیت استراتژیک و تعیین‌کننده برای منافع آمریکا دارد، ضرورت رویارویی مؤثر با بی‌ثباتی‌ها و عناصر بی‌ثبات‌کننده، حتی با به کارگیری زور و مداخله نظامی مستقیم بخشی‌گریز ناپذیر از استراتژی نظامی آمریکا به‌شمار می‌آید.<sup>۲۳</sup>

از دید مقامات و نخبگان سیاسی آمریکا، خاورمیانه یکی از مناطق اصلی درگیری و ستیز در دوران پس از جنگ سرد بوده است و این وضع با منافع و اهداف منطقه‌ای آمریکا که در صدد ایجاد ثبات در منطقه و از میان بردن هرگونه ایستادگی در برابر الگوهای امنیتی آن کشور است، مغایرت

تولیدکننده نفت کمتر از دارایی‌های نفتی‌شان برای فشار آوردن بر ایالات متحده استفاده خواهند کرد؛ از سوی دیگر، هر چند بسیاری از ملتهای منطقه خلیج فارس همچنان مخالف حضور آمریکا در منطقه (به دلایل ملی و مذهبی) خواهند بود، ولی دشمنی‌شان با آمریکا به علت پشتیبانی آن کشور از اسرائیل کاهش خواهد یافت و تصویر بهتری از آمریکا در منطقه از ابراه خواهد شد. همچنین اگر بار دیگر يك بحران منطقه‌ای مانند تجاوز عراق به کویت روی دهد، اسرائیل بار سنگینی روی دوش آمریکانمی‌گذارد و چنانچه مورد حمله قرار گیرد، توانایی آن را دارد که از خود دفاع کند.<sup>۱۸</sup>

### ۱۱- تضعیف دیگر قدرت‌ها

تسلط آمریکا بر بازار خاورمیانه و کنترل عرضه و انتقال نفت از این منطقه، منافع بسیاری از قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای چون ایران، روسیه، فرانسه، چین، ژاپن و حتی اتحادیه اروپا را به چالش می‌کشد و آنها را هم به لحاظ سیاسی و هم از دید اقتصادی در وضع شکننده‌ای قرار خواهد داد. این مسأله بویژه در مورد کشورهایی چون ژاپن و چین که اقتصادشان تا اندازه زیادی به نفت و واردات آن از منطقه خاورمیانه بستگی دارد، برجسته‌تر خواهد بود. در این خصوص، برخی از نویسندگان از جمله فریدمن و لبارد احتمال می‌دهند که منطقه خاورمیانه، بویژه خلیج فارس، به کانون مناقشه آمریکا و ژاپن تبدیل شود. ژاپن برای بیش از ۶۰ درصد واردات نفت خود به کشورهای حوزه خلیج فارس وابسته است، و آمریکا بعنوان بزرگترین رقیب اقتصادی ژاپن با کنترل عرضه و انتقال نفت می‌تواند این کشور را آسیب‌پذیر سازد.<sup>۱۹</sup>

### ۱۲- تضعیف هرچه بیشتر اندیشه

#### وحدت عربی

واقعیت این است که کشورهای عرب، علی‌رغم ادعاهای صوری‌شان، یکپارچگی و هماهنگی لازم را بویژه در سیاست خارجی ندارند. جنگ خلیج فارس تا اندازه زیادی در هم‌ریختگی و چندپارچگی اتحادیه عرب را نشان داد و آمریکا در پی آن است که اتحادیه عرب را همچنان در وضع

○ واقعیت این است که کشورهای عرب، علی‌رغم ادعاهای صوری‌شان، یکپارچگی و هماهنگی لازم را بویژه در سیاست خارجی ندارند. جنگ خلیج فارس تا اندازه زیادی در هم‌ریختگی و چندپارچگی اتحادیه عرب را نشان داد و آمریکا در پی آن است که اتحادیه عرب را همچنان در وضع شکننده حفظ کند.

درد. آمریکا شکل گیری این روند را ناشی از کنش بازیگران منطقه‌ای از جمله ایران و عراق می‌داند که هر یک برای تحقق اهداف خود، منافع و امنیت ملی آمریکا را در منطقه و خلیج فارس به چالش می‌خوانند.<sup>۲۴</sup>

بی‌گمان، بی‌ثباتی در منطقه خاورمیانه - هر چند تقاضاهایی برای جنگ افزارهای آمریکایی ایجاد خواهد کرد - به بی‌ثباتی در زمینه عرضه و بهای نفت خواهد انجامید و این امر نیز هزینه‌های تولید و مبادله در اقتصاد آمریکا را افزایش خواهد داد و آن را گرفتار عدم تعادل‌های زیان‌آوری خواهد کرد.

## ۱۴- نتیجه احتمالی بازی در منطقه

### آزاد تجاری خاورمیانه

همان‌گونه که خاطر نشان شد، جرح‌بوش دستاوردهایی چون صلح، رفاه و دموکراسی از ایجاد منطقه آزاد تجاری خاورمیانه را به ملت‌های منطقه وعده کرده است. بی‌گمان چنین دستاوردهایی، در صورت تحقق، با استقبال روبه‌رو خواهد شد. از بُعد نظری، تجارت آزاد به صلح، دموکراسی و رفاه می‌انجامد. منتسکیو صلح را نتیجه گریز ناپذیر تجارت بین کشورها می‌داند. دادوستد، منافع طرف‌های درگیر را به یکدیگر گره می‌زند، و آنها در راستای تأمین منافعشان از اقدامات مخاطره‌آمیز پرهیز خواهند کرد. تجارت آزاد به استقرار و استمرار دموکراسی نیز کمک می‌کند زیرا تجارت آزاد مستلزم پاسداری قاطع از حقوق مالکیت افراد است؛ حقوق مالکیت خصوصی نیز سنگ بنای استقرار دموکراسی است و حفاظت جدی از آن، در راستای گسترش تجارت، موجب استمرار دموکراسی خواهد شد.

همه اقتصاددانان، از زمان آدام اسمیت تا امروز، بر این واقعیت تأکید کرده‌اند که تجارت آزاد میان کشورها به رشد اقتصادی و در نهایت رفاه ملت‌ها می‌انجامد. ایجاد منطقه آزاد تجاری خاورمیانه به سرازیر شدن تکنولوژی و دانش به این منطقه و نیز سرمایه‌گذاری مستقیم در آن کمک می‌کند و به چند نتیجه مثبت در منطقه می‌انجامد: نخست این که ملت‌های خاورمیانه از کالاها و خدمات پر کیفیت با هزینه کمتری بهره‌مند خواهند شد؛ دوم این که با دستیابی بی‌هزینه یا کم‌هزینه به دانش و تکنولوژی

اما اقتصادهای بیشتر رانتهی اغلب کشورهای خاورمیانه و نارسایی‌های ساختاری و نهادی زیادی که گریبانگیر آنهاست مانع از این می‌شود که از دستاوردهای مثبت مورد انتظار این بازی چنان که باید بهره‌برداری شود. اقتصاد بیشتر کشورهای خاورمیانه از یک سو سخت به درآمد ارزی حاصل از فروش نفت خام و از سوی دیگر به واردات کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و تکنولوژی‌های وارداتی وابسته است. بنابراین تولیدات آنها نمی‌تواند با کالاهای آمریکایی رقابت کند و در وضع شکننده‌ای قرار خواهد گرفت. حضور شرکت‌های چند ملیتی آمریکا در منطقه امکان رقابت را از تولیدکنندگان محلی خواهد گرفت. در این شرایط، به دنبال ایجاد منطقه آزاد تجاری، این منطقه به بازار بزرگی برای کالاهای مصرفی واسطه‌ای و سرمایه‌ای و نیز خدمات کارشناسان و متخصصان آمریکایی تبدیل خواهد شد. هر چند نقش عوامل خارجی در توسعه اقتصادی انکار ناپذیر است، ولی این عوامل باید نقش کمکی و کاتالیزور داشته باشند و گرنه توسعه مورد نظر (وارداتی) دوام و قوام نخواهد یافت. توسعه وارداتی به دنبال ایجاد نوعی ترتیبات مصرفی و تولیدی است که سخت به دانش فنی و کالاها و خدمات خارجی (در این مورد آمریکایی) وابسته باشد. در این رویکرد، نتیجه بازی، از مجموع مثبت به مجموع (شاید) صفر تغییر می‌یابد.

## ۱۵- نتیجه گیری

هدف این مقاله، امکان‌سنجی یا بررسی چارچوب طرح منطقه آزاد تجاری خاورمیانه با آمریکا، که اخیراً از سوی جرج دبلیو بوش پیشنهاد شده است، نیست بلکه هدف این است که نشان داده شود این طرح ترجمان اقتصادی و در واقع بیانگر رویکرد نرم برای رسیدن به اهدافی است که دستیابی به آنها از راه کاربرد قدرت مادی و زور زیر

○ برخی از صاحب‌نظران از جمله برژنسکی استدلال می‌کنند تا زمانی که منافع آمریکا در گرو حفظ هرژمونی و سروری ایالات متحده در جهان است، نه صلح و ثبات در خاورمیانه و نه قایل شدن نقش بزرگتری برای اتحادیه اروپا هدف آمریکا خواهد بود، زیرا صلح جامع، استدلال‌های آمریکا برای حضور نظامی در منطقه را سست خواهد کرد و فرصت خوبی در اختیار اروپا قرار می‌دهد که پایگاه هرژمونی ایالات متحده را به چالش بکشد.

تسلط بر بازار اقتصادی خاورمیانه، تضعیف هژمونی در حال رشد یورو، تحمیل سیاسی و اقتصادی اسرائیل بر اعراب، تضعیف قدرت‌های منطقه‌ای، ایجاد تزلزل هر چه بیشتر در اندیشه وحدت عربی و نیز تأمین ثبات در خاورمیانه، از جمله اهدافی است که به نظر می‌رسد آمریکا از بازی در منطقه آزاد تجاری خاورمیانه دنبال می‌کند. این دستاوردها برای اقتصاد آمریکا چنان ارزشمند و نیز هزینه‌توسل به ابزارهای سیاسی و نظامی برای دستیابی به آنها به اندازه کافی سنگین هست که سیاستمداران آمریکایی را بر آن دارد تا راهکارهای اقتصادی (قدرت نرم) را در منطقه خاورمیانه مورد توجه قرار دهند.

خاورمیانه بر است از احساسات جریحه‌دار شده مردمی که بر پایه هنجارهای دینی و فرهنگی خاص، نمی‌خواهند دولتمردان آمریکایی اصول و هنجارهای مورد نظر خود را بر آنان تحمیل کنند. حمله آمریکا به افغانستان و عراق نیز بر نارضایتی افکار عمومی این منطقه نسبت به سیاست‌های دولتمردان آمریکا افزوده است. بی‌گمان طرح پیشنهادی جرج بوش پسر تصویری کمتر تنش‌زا از آمریکا در منطقه ارایه خواهد کرد، و هزینه‌های دستیابی به اهداف مورد نظر آمریکا را کاهش خواهد داد.

نکته آخر این که هرچند در ثوری، ایجاد

عناوینی چون «مبارزه با تروریسم و شرارت» برای آمریکا بسیار گران تمام خواهد شد. همان گونه که کوهن و نای در نظریه وابستگی متقابل نامتقارن خاطرات نشان کرده‌اند، امروزه تنوع بازیگران و حوزه‌های موضوعی موجب شده است که مسایل امنیتی و نظامی دیگر در رأس مسایل بین‌المللی قرار نداشته باشد، بلکه مسایل اقتصادی و رفاهی، یعنی مسایل مربوط به حوزه ملایم و نرم سیاست، اهمیت پیدا کند. آنان بر این باورند که راههای فراوان دیگری جز کاربرد زور برای اعمال قدرت و واداشتن دیگران به تمکین وجود دارد، و ماهیت قدرت متنوع شده است. زور و قدرت نظامی گرچه به‌عنوان عوامل کارساز باقی می‌ماند، ولی آنچه شایع و مورد استفاده خواهد بود، قدرت اقتصادی و دانش فنی است.<sup>۲۵</sup>

بی‌گمان هژمونی اقتصادی به‌پاگیری و استمرار هژمونی سیاسی نیز می‌انجامد. هانتینگتون اخیراً در مقاله‌ای اظهار داشته است که ایالات متحده، بعنوان تنها ابرقدرت، دارای منافع جهانی است و در راستای تأمین و گسترش آن در سراسر جهان سخت تلاش می‌کند.<sup>۲۶</sup> و تسلط بر خاورمیانه بر خوردار از ذخایر هنگفت نفت و جمعیت بالفعل و بالقوه چشمگیر، تا اندازه زیادی به این امر کمک می‌کند. حفظ هژمونی دلار در جهان و منطقه خاورمیانه، کنترل عرضه و انتقال نفت از خاورمیانه،

○ حفظ هژمونی دلار در جهان و منطقه خاورمیانه، کنترل عرضه و انتقال نفت از خاورمیانه، تسلط بر بازار اقتصادی خاورمیانه، تضعیف هژمونی در حال رشد یورو، تحمیل سیاسی و اقتصادی اسرائیل بر اعراب، تضعیف قدرت‌های منطقه‌ای، ایجاد تزلزل هر چه بیشتر در اندیشه وحدت عربی و نیز تأمین ثبات در خاورمیانه، از جمله اهدافی است که به نظر می‌رسد آمریکا از بازی در منطقه آزاد تجاری خاورمیانه دنبال می‌کند.

### جدول (۲) ذخایر نفت جهان در سال ۱۹۸۸

میلیارد بشکه

آمریکای شمالی	آمریکا	آمریکای مرکزی و جنوبی	اروپای غربی	اروپای شرقی و شوروی سابق	خاورمیانه	ایران	عراق	کویت	هرستان سعودی	آفریقا	خاور دور و اقیانوسیه
۸۷/۷	۲۶/۸	۶۸	۱۸/۵	۶۰/۳	۶۵۲	۹۲/۹	۱۰۰	۹۲/۵	۲۵۵	۵۶/۹	۲۵/۱

مأخذ: Hall, Darwin C., Oil and National Security, Energy Policy Journal, Nov. 1992, p. 1090.

### جدول (۳) عرضه نفت خاورمیانه در سال ۲۰۰۰

هزار بشکه در روز - میلیارد دلار

الجزایر	بحرین	عمر	ایران	عراق	کویت	لیبی	عمان	قطر	هرستان	سوریه	لوس	ایالات متحده عربی
۱۵۸۰	۳۵	۷۱۰	۳۷۱۹	۲۵۷۱	۲۱۲۶	۱۴۱۰	۹۶۰	۷۳۷	۸۴۰۴	۵۴۰	۸۰	۲۳۴۸

مأخذ: Sela, Avraham (2002), The Continuum Political Encyclopedia of the Middle East, p. 641.

○ همان گونه که کوهن و نای در نظریه وابستگی متقابل نامتقارن خاطر نشان کرده‌اند، امروزه تنوع بازیگران و حوزه‌های موضوعی موجب شده است که مسایل امنیتی و نظامی دیگر در رأس مسایل بین‌المللی قرار نداشته باشد، بلکه مسایل اقتصادی و رفاهی، یعنی مسایل مربوط به حوزه ملایم و نرم سیاست، اهمیت پیدا کند. آنان بر این باورند که راههای فراوان دیگری جز کاربرد زور برای اعمال قدرت و اداشتن دیگران به تمکین وجود دارد، و مساهمت قدرت متنوع شده است.

۱۳. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۲)، «جهان در سالی که گذشت»، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۸۸-۱۸۷، ص ۱۲.

14. Clark, w. (2003), Ibid.

15. Dosenrode, S., and A. Stubkjaer (2002), *The European Union and the Middle East*. p. 160.

۱۶. ماهنامه اقتصاد ایران، خرداد ۱۳۸۲، شماره ۵۲، ص ۶۷.

۱۷. همان.

18. Khalilzad, Zalmay M., et al. (1997). "The Implications of the possible end of the Arab - Israeli Conflict for Culf Security". [www.Rand.Org](http://www.Rand.Org).

19. Friedman. George and Meredith Lebard (1991), *The Coming War with Japan*, NewYork Press, pp. 110-210.

۲۰. پرتس، فولکر، «وابستگی و توسعه در دنیای عرب»، ترجمه انسیه مستشاری، کتاب توسعه، ۱۳۷۳، شماره ۷، صص ۴۴-۵۶.

21. Hinnebusch, Raymond (2002) "The Middle East Regional System" (in) *The Foreign Policies of the Middle East States*, Anoushirvan Ehteshami, and Raymond Hinnebusch (eds.) p.30.

22. Dosenrode, S. and A. Stubkjaer (2002), Ibid. p.161.

۲۳. لاهوتی، هوشنگ، «ایالات متحده و امنیت خلیج فارس»، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۱۳۷۴، شماره ۱۵ و ۱۶، ص ۸۰.

۲۴. اسدیان، امیر (۱۳۸۱)، پیشین، ص ۷۳.

۲۵. سیف‌زاده، حسین (۱۳۷۶)، نظریه پردازی در روابط بین‌المللی؛ مبانی و قالب‌های فکری، انتشارات سمت، ص ۳۳۵.

۲۶. هانتینگتون، ساموئل، «آمریکا در جهان معاصر»، ترجمه مجتبی امیری، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۱۳۸۲، شماره ۱۸۸-۱۸۷، ص ۳۳.

منطقه آزاد تجاری بین کشورها کار کرد یک بازی با مجموع مثبت را دارد، ولی در سایه نارسایی‌های ساختاری و نهادی اقتصادهای منطقه خاورمیانه و قدرت ناچیز رقابت‌پذیری آنها، احتمال می‌رود نتیجه بازی از مجموع مثبت به مجموع صفر به سود آمریکا تغییر یابد.

## منابع و ماخذ:

۱- لوئیس، جان، «استراتژی امنیت ملی بوش»، ترجمه ع. قادری، هفته‌نامه آبان، شماره ۱۴۶، خرداد ۱۳۸۲، صص ۶۸.

2. Nye, Joseph S. (2000), *Understanding International Conflicts*, Longman Press, p. 27.

3. El - Ghonemy, M.Riad (1998), *Affluence and Poverty In the Middle East*, Routledge Press, pp. 22-26.

۴. ماهنامه اقتصاد ایران، آبان ۱۳۸۱، شماره ۴۵، ص ۵۳.

5. Nunan, Coilin (2003), "Oil, Currency and the War on Iraq" [www.Feasta.org](http://www.Feasta.org).

6. Yarjani, Javad (2002) "The Choice of Currency for the Denomination", [www.Opec.Org](http://www.Opec.Org).

7. Clark, w. (2003) "The Real Reasons for the Upcoming War With Iraq" [www.Indymedia.Org](http://www.Indymedia.Org).

8. Henderson , Hazel (2002) *Beyond Bush's Unilateralism*, [www.Hazelhenderson.com](http://www.Hazelhenderson.com).

9. Clark, w. (2003), Ibid.

10. Hall, Darwin C. (1992). "Oil and National Security, Energy" *Policy Journal*, Nov., p.1089.

11. Sela, Avraham (2002). *The Continuum Political Encyclopedia of Middle East*. p. 637.

۱۲. اسدیان، امیر (۱۳۸۱)، سیاست امنیتی آمریکا در خلیج فارس، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ص ۷۴.